



یادداشتی بر کتاب‌های یکشنبه آخر و دختران آ.پی.دی

پرستاری در جنگ

مطالعه کاغذی

یا الکترونیک؟

دکتر «آرت مارکمن» که روان‌شناس است در «سایکولوژی تودی» می‌نویسد: تکنیک مطالعه با صدای بلند، به شما کمک می‌کند نکات کلیدی را که نیاز به به خاطر سپردن آنها دارید، بهتر در یاد داشته باشید. با این کار یعنی زمانی که گوش‌ها آن مطالب را می‌شنوند به یاد سپردن‌شان راحت‌تر می‌شود.

اگرچه مطالعه الکترونیکی سبب خواهد شد کتاب یا کتاب‌هایی را با خود در سفرهای درون و برون شهری حمل نکنید اما پژوهش‌های علمی نشان داده‌اند که استفاده از این ابزار می‌تواند قدرت حافظه را کاهش دهد.

در یکی از این مطالعات، به خاطر سپردن اتفاقات موجود در داستان را میان دو گروهی که کتاب را با صفحات کاغذی یا از روی «کیندل» مطالعه کرده بودند، مورد بررسی قرار دادند. نتایج علمی به دست آمده نشان داد گروهی که کتاب را به صورت صفحات کاغذی می‌خوانند، جزئیات بیشتری از حوادث آن را به خاطر می‌آورند.

دکتر آن مانگن علت این امر را برقراری تماس دست‌ها با صفحات کتاب می‌داند. البته در مورد افرادی که به خواندن الکترونیکی عادت کرده‌اند، ممکن است جریان کمی متفاوت باشد.

تحمیلی عراق علیه ایران، مینا کمایی با جمعی از دوستانش فعالیت‌های امدادی را در بیمارستان امام خمینی (ره) شرکت نفت آموزش می‌دادند. او در همان زمان با تأسیس بسیج خواهران آبادان، همراه با دوستانش که به دختران آ.پی.دی معروف بودند، به فعالیت در بسیج می‌پرداختند. از کارهای جدی ایشان به عنوان نمونه، سرکشی به روستاها و حاشیه شهر آبادان برای امدادگری و واکسیناسیون بود. خاطراتی از دوران کودکی، زمان تحصیل در مدرسه، پیروزی انقلاب اسلامی، فعالیت طرفداران گروه خلق عرب برای تصاحب خرمشهر، عضویت در جبهه حزب... در مدرسه پس از پیروزی انقلاب اسلامی و رویارویی با گروه‌های مجاهدین خلق (منافقین)، خلق عرب و کمونیست‌ها، شرکت در کلاس‌های مختلف عقیدتی و سخنرانی‌های مذهبی، دیدار با امام خمینی (ره)، پذیرایی از خانواده شهدا در هتل بهبهان، انفجار انبار دارویی بیمارستان نفت توسط عراقی‌ها و وضعیت شهر خرمشهر پس از آزادی، عمده موارد مطرح شده در این خاطرات است. در این کتاب به خانم رامهریزی نیز اشاراتی شده است و به طور کل هر دو کتاب یکشنبه آخر و دختران آ.پی.دی، مکمل یکدیگر در ترسیم فضای فعالیت‌های امدادی و درمانی بسیجیان و جهادگران در کنار پزشکان و پرستاران در دوران دفاع مقدس است. این دو کتاب توسط نشر سوره مهر به چاپ رسیده‌اند.

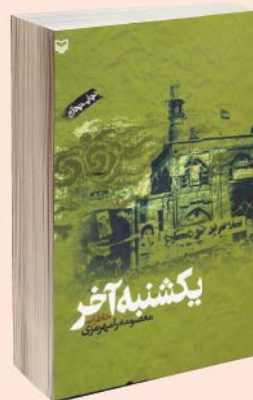
همان ابتدا به فکر کمک کردن به مردم و رزمندگان در هر زمینه‌ای که از دستش برمی‌آمده، بوده است. او بیشتر به کار امدادگری مشغول می‌شود و در حین کار، برخی خاطراتش و اتفاقاتی را که در آن حضور داشته، در دفترچه‌ای یادداشت می‌کرده که سال‌ها بعد با کمک مطالب آن دفترچه‌ها، کتاب یکشنبه آخر را می‌نویسد. بیشتر مطالب این کتاب حول زمان اشغال سپس فتح خرمشهر می‌چرخد و به خوبی نقش او و همراهانش در صف امدادگری در دوران جنگ را در این کتاب می‌خوانیم و لمس می‌کنیم. فضا سازی بسیار عالی به همراه بیانی شیوا و روان، به اثرگذاری کتاب کمک قابل توجهی کرده است. همچنین برادر ایشان، اسماعیل رامهریزی در ۲۷ مهر ۵۹ در خرمشهر بر اثر اصابت ترکش خمپاره به شهادت می‌رسد. این اتفاق در حضور خود خانم رامهریزی رخ داد که شرح آن در کتاب آمده است. نفر دیگر خانم مینا کمایی هستند که خاطرات ایشان در کتاب دختران آ.پی.دی بیان شده است. ایشان نیز مانند خانم رامهریزی از اهالی آبادانی بودند و در روزهای پر تلاطم دوران دفاع مقدس (از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۴) به صورت جدی به فعالیت درمانی پرداختند. در دوران جنگ

در زمان دفاع مقدس، همه افراد در همه سنین جایی برای انجام وظیفه و نقش آفرینی داشتند و ما از طیف‌های مختلف افراد کارهای گوناگونی را سراغ داریم که مشغول انجام‌شان بودند. رزمندگان در خط مقدم در حال نبرد با دشمن بارزترین این افراد بودند اما بسیاری دیگر در پشت جبهه و حتی در خانه‌های خود مشغول کمک و خدمت‌رسانی بودند. یکی از مهم‌ترین قسمت‌ها بیمارستان‌ها بودند که علاوه بر کارهای روزانه و عادی خود، وظیفه سنگین رسیدگی به مجروحان را نیز برعهده داشتند که با توجه به تعداد بالای مجروحان در عملیات مختلف، حجم کاری بالایی بر پزشکان و پرستاران وارد می‌شد

که در مواقع مختلف تعداد کادر بیمارستان پاسخگوی این حجم بالا نبود. اینجا بود که نیروهای مردمی وارد عمل شدند و به کمک کادر درمان آمدند. افرادی که در ابتدا کم‌کم کارهای اولیه را یاد گرفتند و توانستند بخشی از این کمبود نیرو را جبران کنند. دو نفر از این افراد خانم‌ها معصومه رامهریزی و مینا کمایی هستند. خانم رامهریزی اهل آبادان و در آغاز جنگ، حدوداً ۱۴ ساله بوده و از

محمدرضا خراسانی زاده

چاردیواری



جدول

توضیح برای رمز جدول:

پس از حل کامل جدول از پشت سرهم قرار دادن حروف خانه‌هایی که با عدد مشخص شده‌اند رمز جدول به دست می‌آید. تعداد حروف رمز جدول در هر شماره می‌تواند متغیر باشد.

طراح: بیژن گورانی

درخت جوان	رشته ای در دو میدانی	عمارت	زهر	سردی مطبوع	زمستان	ستون بدن	سیاستمدار	خاک سپاری
خانه سبز	سینما	پیشواز لشکر	خطاب غیر مودبانه	درخت تسبیح	مقابل آمد	پرتابه جنگی	غوغا	
۸					۲		دشمن سرسخت سیلی	
نمایان	۱		کفش دوز	۶	الفت گرفته			
	به تازگی نیکویی		۵		فصل گرم	۴		
کلاه پردار بیمار								
سو فرستاده خدا	اندازه صدا درخت خرما							
	۷							
مکر و حيله								
عمارت								
سنگی قیمتی								

رمز جدول شماره قبل:

کودکان شاد